

فلسفه ملاصدرا

محمد روستم، دانشگاه تورنتو

مترجم: مصطفی امیری

فضل الرحمان، فلسفه ملاصدرا. البانی: انتشارات دانشگاه ایالتی نیویورک، ۱۹۷۵، جلد اعلی، ۲ صفحه مقدمه و ۲۷۷ صفحه متن کتاب.

Fazlur Rahman. *The Philosophy of Mulla Sadra*.
Albany: State University of New York Press, 1975,
hbk., v.vii + 277 pp.

اثر مزبور اولین کتاب انگلیسی است که به تمامی درباره فیلسوف بزرگ دوره صفوی، ملاصدرا شیرازی (وفات ۱۰۵۰ هجری) نگاشته شده است. مؤلف کتاب را با شرح مختصری از زندگی و دوران ملاصدرا شروع می‌کند، و سپس اجمالا مهم‌ترین نخله‌های فکری و متفکران اسلامی را که به نحوی بر او تأثیر داشتند، مورد بررسی قرار می‌دهد این مقدمه خلاصه بسیار مفیدی است از آنچه در فصول بعدی کتاب مورد بحث قرار می‌گیرد، و تأثیر ملاصدرا را بر متفکران متأخر در سنت فلسفه اسلامی به اختصار شرح می‌دهد. می‌توان کتاب را به لحاظ موضوعی به سه بخش تقسیم کرد هستی‌شناسی، کلام، و روانشناسی. دل‌مشغولی ملاصدرا به فلسفه اسلامی، کلام فلسفی، و عرفان نظری کاملاً در دو بخش آخر قابل تشخیص است. او در پراهمینی که برای اثبات وجود خدا ارایه می‌دهد تا بحث درباره علم‌الاهی و درکش از جهان آخرت، هر چند غالباً ابتکاری عمل می‌کند، ترکیب و تلفیقی عالی از

مهم‌ترین بخش کتاب به هستی‌شناسی اختصاص دارد. فضل‌الرحمان در پنج فصل به خوبی مباحث مهم تمایز بین ماهیت^۱ و وجود^۲ در فلسفه اسلامی را با تأکید بر دفاع سهروردی از اصالت ماهیت و اختلاف نظر ملاصدرا با فلاسفه بزرگ پیشین شرح می‌دهد. مؤلف پس از تشریح مبنای نقد ملاصدرا از هستی‌شناسی سهروردی، مباحث مربوط به دفاع او از اصالت وجود^۳ را مطرح می‌سازد و توضیح می‌دهد که از دیدگاه فلسفه ملاصدرا همه اشیاء^۴ بر اساس اصل تشکیک^۵

انحای وجود^۶ هستند. فقط وجود اصل و عین حقیقت است، و از انحاء مختلف وجود، یعنی اشیاء است که عقل ماهیات را «انتزاع» یا «تصور» می‌کند، و به همین سبب ماهیات نه



کاملاً حقیقی هستند و نه کاملاً غیر حقیقی. ملاصدرا اعتقاد داشت وجود محض^۷ فاقد ماهیت است، زیرا فاقد انجای وجود است و امکان انتزاع ماهیت فقط تابع انجای وجود است. از نظر ملاصدرا، ماهیات تجربی‌هایی بر اساس حدود وجود هستند - هر چه وجود شدیدتر^۸ باشد، ماهیت کمتری از آن نمود می‌یابد؛ و هر چه وجود ضعیف‌تر باشد، ماهیت بیشتری نمود خواهد یافت.

فصل الرحمان در مقدمه کتاب اظهار امیدواری می‌کند که اثرش بتواند افسانه «مرگ» فلسفه اسلامی پس از حملات غزالی و مرگ ابن‌رشد را باطل کند. اگر چه فصل الرحمان و چندین عالم فلسفه اسلامی به‌درستی معتقدند که تفکر فلسفی در اسلام با مرگ ابن‌رشد خاتمه نیافت، با وجود این اصرار می‌ورزند که این نوع تفکر فلسفی - حتی زمانی که با عرفان تلفیق می‌شود - تقریباً ماهیتی به کل خردگرایانه دارد. بنابراین، اگر چه افرادی نظیر فصل الرحمان به‌درستی افسانه مرگ فلسفه اسلامی را در اواخر قرن دوازدهم میلادی (اواخر قرن هفتم هجری) رد می‌کنند، با وجود این، فلسفه را همچنان مطابق با معیارهایی تقسیم‌بندی می‌کنند که از سوی بسیاری از مروّجان این افسانه گذاشته شده است. بنابراین سؤال این نیست که آیا فلسفه اسلامی از قرن سیزدهم (قرن هشتم هجری) به حیات خود ادامه داد یا خیر، بلکه سؤال این است که چه نوع فعالیت فلسفی ادامه یافت.

فصل الرحمان سعی دارد فلسفه‌ای را که پس از ابن‌رشد در سرزمین‌های شرقی اسلام به حیات خود ادامه داد با معیارها و در چارچوب فلسفه غرب مورد بررسی قرار دهد که در این کار موفق نیست. او به سختی می‌تواند بینش عرفانی ملاصدرا را زمانی که با نظرات فلسفی‌اش می‌آمیزد تشریح کند. با توجه به اینکه فیلسوفی مشابه و یا فلسفه‌ای مشابه در تفکر معاصر غرب وجود ندارد، فصل الرحمان سعی می‌کند ملاصدرا را نوعی فیلسوف خردگرا بداند که بر بینش عقلی و شهودی متکی است. ولی ملاصدرا به قدری تحت تأثیر سنت عرفان اسلامی بود که نمی‌توانیم به سادگی او را یک «فیلسوف شهودی» بنامیم. این نوع طبقه‌بندی ظلم در حق عینیت بینش ملاصدرا خواهد بود. خواننده وسوسه می‌شود بداند که آیا ملاصدرا بالاخره قادر بود به سبب و یا برغم تجربه‌اش از حقیقت عینی در ورای «شهود محض» به چنین نظرات پیچیده‌ای دست یابد. اگر به سبب آن موفق شده باشد، باید اذعان داشت که مسلماً بیشتر از یک فیلسوف «خردگرا» یا «شهودی» بوده است. با وجود این، از دیدگاه فلسفه اسلامی هیچ مشکلی به هنگام تشریح موضع و مقام او پیش نمی‌آید. فعالیت فلسفی او در درون چارچوب دین الهی که بدان اعتقاد داشت به راحتی قابل درک است. بنابراین، باید فلسفه اسلامی را با معیارها و چارچوب‌های خودش تشریح کرد و نه از نگاه‌های «خارجی»، به ویژه زمانی که این نگاه‌ها عملاً به حقیقت متعالی^{۱۱} بسته هستند - یعنی حقیقتی که نقطه شروع و پایان تمامی فعالیت‌های عقلی اسلامی ناب است.

پی‌نوشت‌ها

1. Essence.
2. Existence.
3. Principality of Being.
4. Concrete things.
5. Principle of gradation.
6. Mode of Being.
7. Pure Being.
8. Modalized.
9. Delimitations of Being.
10. Intense.
11. Reality of the transcendent.